

ره آورد بعثت از منظر نهج البلاغه (2)

بعد از این که به اوضاع و احوال عصر جاهلیت پرداختیم و نیز به فلسفه بعثت انبیاء واقف گشتیم، حال باید ببینیم که این برانگیختن انبیاء چه نتایجی را به همراه داشته است...

ره آورد بعثت
ویژگی های اسلام
- اسلام؛ نورهدایت
ره آورد بعثت

بعد از این که به اوضاع و احوال عصر جاهلیت پرداختیم و نیز به فلسفه بعثت انبیاء واقف گشتیم، حال باید ببینیم که این برانگیختن انبیاء چه نتایجی را به همراه داشته است. گروهی به رسالت و دعوت او کافر شده و سزاوار جنگیدن، کشتن و شکنجه جاوید شدند. گروهی نیز در ظاهر اسلام را قبول نموده ولی در دل اسلام را نپذیرفته و منافق شدند. با اسلام ظاهری خون آنها محفوظ شده و احکام اسلامی در مورد مسلمانان در این دنیا در مورد آنان جاری شد. ولی در آخرت به جهت نفاق در پائین ترین طبقات جهنم جاوید هستند.

و گروهی در ظاهر و باطن مسلمان شده و هم کار خوب و هم کارهای بد انجام دادند. این دسته ممکن است بدون رفتن به جهنم به بهشت بروند.

گروهی هم علاوه بر داشتن صفات گروه فوق عمل صالح انجام داده و کارهای خیر زیادی انجام دادند. پروردگار به این دسته بهشت هایی که در آن نهرهایی جریان دارد، وعده داده است. اینان هیچ عذاب و مجازات هایی نمی بینند. خداوند گناهان آنها را بخشیده و بدی هایشان را به چند برابر خوبی تبدیل می کند.

و عده ای علاوه بر داشتن خصوصیات دسته قبل به منظور نزدیکی به خدای متعال به تزکیه نفس از اخلاق رذیله و آراستن آن به اخلاق عالی پرداخته که خدا نیز آنها را به خود نزدیک و مقام ارجمندی به آنها عنایت می کند.

و گروهی علاوه بر داشتن خصوصیات دسته قبل، با فکر و ذکر و تلاش بسیار زیاد پروردگارشان را شناخته و آنگاه خالص از هرگونه شرکی، او را یکتا دانسته، او را دوست داشته و با بذل هر چه غیر اوست به او نزدیک شدند و مشتاق دیدار او گردیدند. خداوند نیز آنان را به خوبی قبول و به خود نزدیک و تمامی حجاب ها را از آنها برداشت. جمال خود را به آنان نشان داد و آنان نیز با دیده و قلب بدون هرگونه حجابی آن را دیدند، آنان را به پیامبر(ص) و آل او(ع) ملحق نموده و در جایگاه صدق در کنار آنان و در نزد پادشاه مقتدر جای داد. آنانند سیقت گیرندگان و نزدیک شدگان، دوستان پیامبران و شهدا، (19)

حضرت علی علیه السلام در باب نتایج بعثت انبیاء علیهم السلام سخنانی را فرموده اند که به آنها می پردازیم.

" فانظروا إلی مواقع نعم الله علیهم حین بعث الیهم رسولاً فعقد بملته طاعتهم ... ولا تفرح لهم صفاة."؛ حال به نعمت های بزرگ الهی که به هنگام بعثت پیامبر اسلام(ص) بر آنان فرو ریخت بنگرید، که چگونه اطاعت آنان را با دین خود پیوند داد و با دعوتش آنها را به وحدت رساند! چگونه نعمت های الهی بال های کرامت خود را بر آنان گستراند، و جویبارهای آسایش و رفاه برایشان روان ساخت! و تمام برکات آیین حق، آنها را در برگرفت!

در میان نعمت ها غرق گشتند، و در خرمی زندگانی شادمان شدند، امور اجتماعی آنان در سایه قدرت حکومت اسلام استوار شد، و در پرتو عزتی پایدار آرام گرفتند، و به حکومتی پایدار رسیدند. آنگاه آنان حاکم و زمامدار جهان شدند، و سلاطین روی زمین گردیدند، و فرمانروای کسانی شدند که در گذشته حاکم بودند، و قوانین الهی را برای کسانی اجرا می کردند که مجریان احکام بودند، و در گذشته کسی قدرت در هم شکستن نیروی آنان را نداشت، و هیچ کس خیال مبارزه با آنان را در سر نمی پروراند. (20)

در خطبه ای دیگر می فرماید:

" و قد بلغتم من کرامة تعالی لکم منزلة... ولا لکم علیه إمرة."؛ مردم! از سر نعمت بعثت پیامبر و لطف خداوند بزرگ به مقامی رسیده اید که حتی کنیزان شما را گرمی می دارند، و به همسایگان شما محبت می کنند، کسانی برای شما احترام قائلند که شما از آنها برتری نداشته و بر آنها حقی ندارید. (21)

مام علی علیه السلام در فرازی دیگر در مورد دلجویی پیامبر اکرم(ص) می فرماید:

" فان الله سبحانه بعث محمداً(ص) و لیس احد من العرب... حتی أخرج الحق من خاصرته."؛ پس از ستایش پروردگار، همانا خداوند سبحان، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را مبعوث فرمود، در روزگاری که عرب کتابی نخوانده و ادعای وحی و پیامبری نداشت. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با یارانش به مبارزه با مخالفان پرداخت تا آنان را به سر منزل نجات کشاند، و پیش از آن که مرگشان فرا رسد آنان را به رستگاری رساند. با خستگان مدارا کرد، و شکسته حالان را زبربال گرفت تا همه را به راه راست هدایت فرمود، جز آنان که راه گمراهی پیمودند. و در آنها خیری نبود. همه را نجات داد، و در جایگاه مناسب رستگاری، استقرارشان بخشید، تا آن که آسیاب زندگی آنان به چرخش درآمد، و نیزه شان تیز شد. به خدا سوگند!

من در دنباله آن سپاه بودم، تا باطل شکست خورد و عقب نشست، و همه رهبری اسلام را فرمانبردار شدند، در این راه هرگز ناتوان نشدم، و نترسیدم، و خیانت نکردم، و سستی در من راه نیافت. به خدا سوگند! درون باطل را می شکافم تا حق را از پهلویش بیرون کشم. (22)

حضرت در خطبه ای دیگر این نکته را متذکر می شوند که پیامبراکرم صلوات الله علیه در زمانی ظهور نمودند که هیچ پیامبر دیگری حضور نداشته است.

" أرسله على حين فترة من الرسل، و طول هجعة من الأمم، و انتفاض من المبرم... ذلك القرآن فاستنطقوه.؛ خداوند پیامبر(ص) را هنگامی فرستاد که پیامبران حضور نداشتند، و امت ها در خواب غفلت بودند، و رشته های دوستی و انسانیت از هم گسسته بود. پس پیامبر(ص) به میان خلق آمد در حالی که کتاب های پیامبران پیشین را تصدیق کرد، و با " نوری" هدایتگر انسانها شد که همه باید از آن اطاعت نمایند، و آن، نور قرآن کریم است. (23)

ویژگی های اسلام

" ثم ان هذا الإسلام دين الله الذي اصطفاه لنفسه... وضعوه مواضعه.؛ همانا این اسلام، دین خداوندی است که آن را برای خود برگزید، و با دیده عنایت پروراند، و بهترین آفریدگان خود را مخصوص ابلاغ آن قرار داد. پایه های اسلام را بر محبت خویش استوار کرد، و ادیان و مذاهب گذشته را با عزت آن، خوار کرد، و با سربلند کردن آن، دیگر ملت ها را بی مقدار کرد، و با محترم داشتن آن، دشمنان را خوار گردانید، و با یاری کردن آن دشمنان سرسخت را شکست داد، و با نیرومند ساختن آن ارکان گمراهی را در هم کوبید، و تشنگان را از چشمه زلال آن سیراب کرد، و آبگیره های اسلام را پرآب کرد.

خداوند اسلام را به گونه ای استحکام بخشید که پیوندهایش نگسلد، و حلقه هایش از هم جدا نشود، و ستون هایش خراب نگردد، در پایه هایش زوال راه نیابد، درخت وجودش از ریشه کنده نشود، زمانش پایان نگیرد، قوانینش کهنگی نپذیرد، شاخه هایش قطع نگردد، راه هایش تنگ و خراب نشود، و پیمودن راهش دشوار نباشد، تیرگی در روشنایی آن داخل نشود، و راه راست آن کجی نیابد، ستونهایش خم نشود، و گذرگاهش بدون دشواری پیمودنی باشد، در چراغ اسلام خاموشی، و در شیرینی آن تلخی راه نیابد.

اسلام ستون های استواری است که خداوند (پایه های) آن را در دل حق برقرار، و اساس و پایه آن را ثابت کرد، اسلام چشمه ساری است که آب آن در فوران، چراغی است که شعله های آن فروزان، و نشانه همیشه استواری است که روندگان راه حق با آن هدایت شوند؛ پرچمی است که برای راهنمایی پویندگان راه خدا نصب گردیده، و آبشخوری است که وارد شوندگان آن سیراب می شوند. خداوند نهایت خشنودی خود را در اسلام قرار داده، و بزرگ ترین ستون های دینش، و بلندترین قله اطاعت او در اسلام جای گرفته است، اسلام در پیشگاه خداوند، دارای ستون هایی مطمئن، بنایی بلند، راهنمایی همیشه روشن، شعله ای روشنی بخش، برهانی نیرومند، و نشانه ای بلند پایه است، که در افتادن با آن ممکن نیست! پس اسلام را بزرگ بشمارید، از آن پیروی کنید، حق آن را اداء نمایید، و در جایگاه شایسته خویش قرار دهید. (24)

امیرالمومنین علیه السلام در توصیف اسلام می فرماید:

" و بین حججه، من ظاهر علم، و باطن حکم. لا تفنی غرائبه... فیه شفاء المستشفی، و کفایة المکتفی.؛ اسلام ظاهرش علم، و باطنش حکمت است. نوآوری های آن پایان نگیرد و شگفتی هایش تمام نمی شود.

در اسلام برکات و خیرات چونان سرزمین های پرگیاه در اول بهاران فراوان است، و چراغهای روشنی بخش تاریکی ها فراوان دارد، که در نیکی ها جز با کلیدهای اسلام باز نشود، و تاریکی ها را جز با چراغ های آن روشنایی نمی توان بخشید. مرزهایش محفوظ، و چراگاه هایش را خود نگهبان است هر درمان خواهی را درمان، و هر بی نیازی طلبی را کافی است. (25)

- اسلام؛ نورهدایت

"الحمد لله الذي شرع الإسلام فسهل شرائعه لمن ورده... والجنة سبقته.؛ ستایش خداوندی را سزاست که راه اسلام را گشود، و راه نوشیدن آب زلالش را بر تشنگان آسان فرمود. ستون های اسلام را در برابر ستیزه جویان استوار کرد و آن را پناهگاه امنی برای پناه برندگان، و مایه آرامش برای وارد شوندگان قرار داد.

اسلام، حجت و برهان برای گویندگان، و گواه روشن برای دفاع کنندگان، و نور هدایتگر برای روشنی خواهان، و مایه فهمیدن برای خردمندان، و عقل و درك برای تدبیرکنندگان، و نشانه گویا برای جویندگان حق، و روشن بینی برای صاحبان عزم و اراده، پند پذیری برای عبرت گیرندگان، عامل نجات و رستگاری برای تصدیق کنندگان، و آرامش دهنده تکیه کنندگان، راحت و آسایش توکل کنندگان، و سپری نگهدارنده برای استقامت دارندگان است.

اسلام روشن ترین راه ها است، جاده هایش درخشان، نشانه های آن در بلندترین جایگاه، چراغ هایش پرفروغ و سوزان، میدان مسابقه آن پاکیزه برای پاکان، سرانجام مسابقه های آن روشن و بی پایان، مسابقه دهندگان آن پیشی گیرنده و چابک سوارانند.

برنامه این مسابقه، تصدیق کردن به حق، راهنمایان آن، اعمال صالح، پایان آن، مرگ، میدان مسابقه، دنیا، مرکز گردآمدن مسابقه دهندگان، قیامت، و جایزه آن بهشت است. (26)

پی نوشت ها:

19. المراقبات، ص161.

20. خطبه 192، ص397.

21. خطبه 106، ص197.

- 22. خطبه 104، ص 193.
- 23. خطبه 158، ص 295.
- 24. خطبه 198، ص 417.
- 25. خطبه 152، ص 281.
- 26. خطبه 106، ص 197.